

نگاهی نو به کاروانسرای دهدشت با توجه به عناصر سازنده بنا

حامد حیاتی^۱، سید حسین شریعت‌نژاد^۲

۱- استاد دانشگاه، رشته معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته معماری، گرایش معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

چکیده

هدف از این تحقیق بررسی بافت تاریخی کاروانسرای دهدشت و عناصر سازنده بنای آن می‌باشد، روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی و همراه با مطالعات میدانی منطقه ای مورد نظر به صورت عکسبرداری، تهیه پلان و کروکی و ... است، یافته‌های حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که؛ کاروانسرای بافت تاریخی دهدشت در ضلع غربی بافت تاریخی دهدشت و در کنار مجموعه حمام کاروانسرا، امامزاده ابراهیم و امامزاده جابر واقع شده است. بنای فوق از جمله آثار شهر دوره اسلامی صفوی است که با دو ورودی در شمال و جنوب ساخته شده است. بنا شامل حیاط و حجره‌های چهار طرف آن است. تعداد این حجره‌ها ۳۸ عدد و بعضی از آن‌ها به همدیگر راه دارند. بنا با سنگ و گچ که از معادن اطراف شهر تأمین می‌شده، ساخته شده است. کف حیاط با سنگ‌های لاشه‌ای بزرگ سنگ‌فرش شده و سطح حیاط اندکی پایین‌تر از کف حجرات است. در حیاط چاه آبی برای تأمین آب موردنیاز کاروانیان به چشم می‌خورد. حجره‌ها با طاق‌های جناغی پوشش داده شده و همگی یک ایوان کوچک در جلوی خود دارند.

کلمات کلیدی: کاروانسرا، دهدشت، بافت، معماری بومی.

۱-مقدمه

بدیهی است عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در هر جامعه اثرات تعیین کننده بر بافتهای کهن شهری دارند و به تبع آن بهره گیری از تجربیات جوامع مختلف مورد تردید قرار می گیرد. با این حال، آگاهی از دانش‌ها، بینش‌ها و نظریات کشورهای مختلف و تجارب آنها می تواند در تدوین روش مناسب در برخورد به مسأله و ارتقاء در نوع تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر مداخله در بافتهای کهن مفید واقع شوند. در اینجا مروری مختصر به تجارب کشورهای اروپایی به عنوان وسیع ترین تجربه مداخله در بافتهای کهن شهری جهان، هم از نظر اندیشه و هم از نظر اقدام، ارائه می شود، از جمله سیاست‌های مؤثر و حساس توسعه شهری را می توان برنامه‌های مداخله در بافتهای کهن شهری دانست که در ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، زیست محیطی و کالبدی قابل تجزیه و تحلیل هستند. در حالی که شالوده و بافت کهن بسیاری از شهرهای ایران با ارزش‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی کشور همخوانی دارند، تدوین سیاست‌های منسجم و جامع مداخله در این بافت‌ها به شدت مورد غفلت قرار گرفته است. اقدامات پراکنده صورت گرفته از دوران قاجار تا دوران پس از انقلاب اسلامی را به هیچ وجه نمی توان پاسخ گوی نقش، اهمیت و جایگاه این بافت‌ها در توسعه شهری ایران دانست. بررسی تطبیقی سیاست‌های اعمال شده در ایران با سیاست‌ها و تجربیات جهانی، حاکی از فقدان مبانی نظری و فرآیند علمی در سیاست‌گذاری و برنامه ریزی این بافت‌ها است. ارزش و اهمیت این بافت‌ها فراتر از آنست که برنامه‌ها و قوانین پراکنده ای برای مقوله مترتب شود. تدوین سیاست و برنامه ای کارا در ابعاد مختلف را داشته باشد. نیازمندی فرایندی است که در آن سیاست‌ها و اقدامات گذشته مورد ارزیابی جامع قرار گیرند، چشم انداز جایگاه این بافت‌ها در توسعه شهری آینده کشور ترسیم شود، و اصول و معیارهای هنجاری این مداخله بر اساس تحقیقات بنیادی و کاربردی تدوین گردند (محبت خواه و همکاران، ۱۳۹۲).

شروع جدی فعالیت‌ها و سیاست گذاری‌های مربوط به مواجهه و مداخله در بافتهای کهن شهری تاریخی در اولین دهه قرن چهاردهم هجری شمسی شکل گرفته و تاکنون با فراز و نشیب‌های ادامه داشته است. پس از انقلاب اسلامی نیز، به تبع افزایش جمعیت و گسترش‌های وسیع شهری ناشی از آن و نیز سیاست‌ها و قوانین زمین شهری، ظهور مجدد مداخله در بافتهای کهن و قدیم شهرها را می توان شاهد بود. با این حال تاکنون تحقیقی جامع از تحلیل سیاست‌های مداخله در بافتهای کهن و قدیمی شهرها کمتر دیده می شود (زمرشیدی، ۱۳۹۰). داشتن شکلی از فرایند مداخله در این بافت‌ها می تواند ضمن تبیین و شناخت نقاط قوت و ضعف این سیاست‌ها، راه کارهایی را نیز برای آینده ترسیم کند، ادامه روند کنونی، تخریب تدریجی بافت‌های تاریخی را به دنبال دارد، در صورتی که بافت‌های تاریخی ثروت غیر منقول و تجسم کالبدی هویت و تاریخ ملت ماست. مسئله بافت‌های تاریخی دارای ابعاد و جنبه‌های گوناگونی است که هر یک از عوامل دخیل، آن را به چالش می کشد. علت اصلی انتخاب این موضوع و علاقه جهت ارائه آن در پایان نامه کارشناسی ارشد شناخت دانشی است که در بافت‌های تاریخی واقع شده است و با توجه به چند وجهی بودن آن نگرشی جامع را می طلبد، لذا امکان پاسخ به مسائل آن در رشته طراحی شهری به عنوان یک دانش میان رشته ای وجود دارد (یاوری، ۱۳۸۴).

۲- بیان مسأله

مسأله مورد مطالعه در این تحقیق مطالعه بافت کاروانسرای دهدشت و عناصر سازنده آن می باشد، دهدشت به عنوان یکی از نقاط تاریخی در ایران از اهمیت والایی برخوردار است. این امر بویژه با در نظر گرفتن سطح ناچیز نیروهای تولید در چهارچوب مناسبات نابرابر حاکم و رایج بر تاریخ این دیار و با در نظر گرفتن اقلیمی که کمترین مساعدت‌ها را داشته، اهمیتی دوچندان می بابد. در متن این شرایط معماری این دیار به عنوان ابزاری انسانی، دوست داشتنی و شگفت برای مقابله با طبیعت و شرایط اجتماعی ناسازگار در آمده است و از این رو در درجه اول ریزکارها و ترفندها آن می تواند به عنوان مدل خاص این شرایط عرضه شود، که هنوز نیز کارآمدی خود را در رابطه با نیازهای انسانی عصر کنونی و بویژه شهری، در کشوری در حال توسعه از دست نداده است (محبت خواه و همکاران، ۱۳۹۲). این نکته هم هدف طرح و هم روش آن را در بررسی ویژگیهای معماری در هر یک از این انواع بناهای بافت قدیم دهدشت مشخص می کند. به عبارت دیگر هدف بازبینی آن ارزش‌های عام و همه جانبه ای است که در معماری این بناها نهفته و می تواند در طراحی‌های درون بافت مؤثر افتد، این امر به معنای مرز بندی، دیدگاه

طرح را نسبت به معماری‌های بافت قدیم نشان می‌دهد. نه به نفعی معماری گذشته می‌پردازد و نه در صدد تقلید صرف از آن بر می‌آید. و از لحاظ روش بر آن است که با تحلیل مشخص از معماری گذشته در شرایط ویژه دهدشت، هم اصول عامی را که دیگران با بررسی و تحقیقات خود در معماری شهرهای قدیمی دیده‌اند، بازنگری کند و هم احتمالاً با این تحلیل مشخص بر غنای آن بیفزاید. این حرکت از خاص به عام، و از عام به خاص در واقع مبنای روش ما را در این بررسی تشکیل می‌دهد. لازم به گفتن نیست که این حرکت گرچه و جه منطقی و علمی کار ما را آشکار می‌کند، اما خود حاصل یک تجربه اجتماعی در طول سالیان دراز است (هاشمی بیستونی، ۱۳۸۸). حال در این تحقیق بر آنیم بر آنیم به بررسی این سؤال بپردازیم که بافت تاریخی کاروانسرای دهدشت و عناصر سازنده آن دارای چه شرایطی می‌باشد؟.

۳- پیشینه تحقیق

تا قبل از جریانات جهانی ناشی از انقلاب صنعتی، تغییرات جوامع شهری بسیار بطئی و نامحسوس بوده و به تبع آن، کالبد شهرها نیز دگرگونی قابل توجهی مواجه نبود. همگام با تغییرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بافتهای شهری نیز مواجه با تغییر شکل و شالوده گردیدند. در حالی که مداخله در بافتهای کهن شهری در ایران و اصولاً واژه بافت کهن معنای چندانی نداشت، همزمان با شروع دوران معاصر و دگرگونی نظام و ساختار اقتصادی کشور و نیز روابط روزافزون با کشورهای خارجی، تغییر در سازمان فضایی کشور اتفاق افتاد (محبت خواه و همکاران، ۱۳۹۲). دولت قاجار اولین دولت ایرانی بود که به دنبال ایجاد نمادی از رشد و توسعه، در صدد دگرگونی شهرها، بخصوص پایتخت خود تهران برآمد و در حقیقت از این دوران به بعد مداخله در بافتهای کهن شهری معنی پیدا کرد. البته این امر بنا به دلایلی نظیر «عدم حاکمیت سرمایه داری بر اقتصاد و جامعه ایران» در تحقق اهداف خود موفق نبود؛ اما با روی کار آمدن دولت پهلوی اهداف یاد شده در شهرها دچار دگرگونی شدند. شروع جدی فعالیت‌ها و سیاست گذاری‌های مربوط به مواجهه و مداخله در بافتهای کهن شهری تاریخی در اولین دهه قرن چهاردهم هجری شمسی شکل گرفته و تاکنون با فراز و نشیب‌های ادامه داشته است. پس از انقلاب اسلامی نیز، به تبع افزایش جمعیت و گسترش‌های وسیع شهری ناشی از آن و نیز سیاست‌ها و قوانین زمین شهری، ظهور مجدد مداخله در بافتهای کهن و قدیم شهرها را می‌توان شاهد بود. با این حال تاکنون تحقیقی جامع از تحلیل سیاست‌های مداخله در بافتهای کهن و قدیمی شهرها کمتر دیده می‌شود. داشتن شکلی از فرایند مداخله در این بافت‌ها می‌تواند ضمن تبیین و شناخت نقاط قوت و ضعف این سیاست‌ها، راه کارهایی را نیز برای آینده ترسیم کند. در پژوهش حاضر، مهم‌ترین و مؤثرترین اقدامات و سیاست‌های مداخله در بافتهای کهن شهری مورد بررسی قرار می‌گیرند. بدیهی است با توجه به اهداف پژوهش و محدودیت‌های آن، صرفاً سیاست‌ها و برنامه‌های مربوط به بافتهای کهن شهری بررسی شده و سایر برنامه‌های شهری مدنظر نیستند. آن دسته از سیاست‌ها و برنامه‌هایی تجزیه و تحلیل می‌گردند که یا در سطح کلان کشور مطرح بوده و هستند و یا تأثیرات آن‌ها به نوعی به کل کشور قابل تعمیم بوده است. موضوع مداخله در بافت‌های فرسوده در ایران نزدیک به دو دهه است که مورد توجه برنامه ریزان و مدیران شهری قرار گرفته است و کم و بیش اقدام‌هایی در این زمینه انجام شده است. در ایران چهره‌هایی نظیر محمد منصور فلامکی، ملیحه مقصودی، محسن حبیبی، احمد پور احمد، کیومرث حبیبی و ... با انجام پژوهش و تألیف کتب اقداماتی را در راستای این موضوع انجام داده‌اند (میراث فرهنگی کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۹۵).

۴- روش تحقیق

روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی و همراه با مطالعات میدانی منطقه ای مورد نظر به صورت عکس برداری، تهیه پلان و کروکی است.

۵- وضعیت جغرافیایی-تاریخی دهدشت

شهر دهدشت در میان دشتی به همین نام در فاصله تقریبی ۶۰ کیلومتری شرق بهبهان قرار دارد. این دشت در حوضه آبریز رودخانه خیرآباد قرار دارد.



شکل شماره ۱- محل قرار گیری شهر. ماخذ: (میراث فرهنگی شهرستان دهدشت)

فاصله تقریبی این دشت از رودخانه مارون در شمال آن حدود ۲۰ کیلومتر است. رودخانه فصلی دهدشت از میان این دشت و از نزدیکی شهر دهدشت گذشته و کلیه سیلابها و زهابهای منطقه را وارد رودخانه خیرآباد می کند. شهر دهدشت در میان دشت مذکور با طول جغرافیایی ۳۴-۵۰ درجه و عرض جغرافیایی ۴۸-۳۰ درجه و با ارتفاع ۸۱۰ متر از سطح دریا قرار گرفته است. در اطراف دشت مزبور کوههای مرتفعی قرار دارند که ارتفاع بلندترین نقطه آنها در قله کوه سیاه به ۲۳۳۰ متر می رسد به سمت غرب، به خاطر گسترش رسوبات گچی و ماسه سنگی از ارتفاعات کاسته شده، به طوری که در اطراف دهدشت به صورت تپه ماهورهایی ظاهر شده اند، این دشت با روندی شمال غربی - جنوب شرقی به طول حدود ۱۱ کیلومتر و عرض حدود ۳ کیلومتر در منطقه گسترش دارد. (طرح جامع توسعه و عمران شهر دهدشت، ۱۳۸۴، ص ۱۰).

در کتاب تاریخ و جغرافیای کهگیلویه و بویر احمد (تألیف نور محمد مجیدی) آمده است: این شهر که با استناد شواهد باستان شناسی و اسناد تاریخی از بناهای دوران صفویه است پس از خرابی شهر قدیم "جومه" روبه گسترش نهاده. از این شهر در منابع جغرافیایی اسلام نام برد نشده و به همین جهت زمان ساختن این شهر کاملاً مشخص نیست.

از یک متن تاریخی بازمانده از عصر شاه عباس دوم صفوی (به تاریخ ۱۰۳۶ ق) معلوم می شود دهدشت که در آن نوشته "قریه الدشت" نام داشته است در ابتدای دوران سلطنت صفویه (۹۰۴ هـ - ق) بر اثر اسکان عشایر و طوایف اطراف آن روبه توسعه نهاد. در آن سند از این عشایر و اقوام نام برده شده است و هر یک از آنها محله به خصوصی در آن شهر داشته اند.

بافت قدیم اکنون به صورت ویرانه ای در آمده و شهر جدید در کنار آن ساخته شده است. شهر قدیم دهدشت در سال های ۹۰۹ تا ۱۲۰۰ هـ ق آباد بود و از آن به بعد در اثر کشمکش های قومی از میان رفته و میان طوایف این سامان تقسیم گردیده است. بنابر منابع مکتوب عهد صفوی به بعد، به ویژه عالم آرای عباسی، ریاض الفردوس حسینی و به شهادت بقایای ابنیه و آثار به جا مانده مخصوصاً مساجد، زیارتگاهها، کاروانسراها، پل های این شهر، حدود سال های آغازی حکومت صفویه تا سال ۹۹۵ مرکز ایالت بزرگ کهگیلویه، یعنی دو بخش زیر کوه شامل نواحی قدیم ارجان یا بهبهان و نواحی بعد آن و پشتکوه کهگیلویه بوده است. این شهر پس از یک دوره رونق و عظمت به علت عوامل سیاسی از جمله شورش های منطقه ای از اوج عزت به حضيض ذلت افتاد و بی مناسبت نیست در مورد علل سقوط آن اختصاراً به شورش های عشیره ای آن زمان که ارتباط با تاریخ و جغرافیای شهر دارد اشاره کرد.

در زمان فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار تلاش بسیاری در آبادی و احیاء مجدد شهر دهدشت شد ولی مثمر ثمر واقع نگردید. در سال ۱۲۸۱ در حکومت احتشام الدوله سعی بر آبادی دهدشت و ساکن گردانیدن تجار و کسبه قدیم شد. در حدود سال ۱۳۱۶ از وجود یکصد خانوار از سادات در شهر دهدشت که بوسیله کریم خان بویراحمدی غارت شده اند یاد شده است و پس از آن پراکنده شده اند.

۶- مبانی نظری تحقیق

۶-۱- بافت تاریخی کاروانسرای دهدشت

معماری این منطقه پر از راز و رمزها و تمثیل‌های معماری اسلامی است که همه بر آموزش دهندگی کالبد معماری است و نمود استاد کاران برجسته صفوی می‌باشد. معماری که بر اساس شرایط اقلیمی و فرهنگی خاص منطقه شکل گرفته و به گونه ای علاوه بر جوابگویی اقلیمی معرف فرهنگ و اجتماع و سیاست این مرز و بوم نیز می‌باشد. همه بناها به صورت درونگرا ساخته شده‌اند یعنی یک حیاط و یا ایوان در وسط دارند و فضاهایی در پیرامون آن‌ها را قرار گرفته است (محبت خواه، ۱۳۹۲).

کاروانسرای بافت تاریخی دهدشت در ضلع غربی بافت تاریخی دهدشت و در کنار مجموعه حمام کاروانسرا، امامزاده ابراهیم و امامزاده جابر واقع شده است. بنای فوق از جمله آثار شهر دوره اسلامی صفوی است که با دو ورودی در شمال و جنوب ساخته شده است. بنا شامل حیاط و حجره‌های چهار طرف آن است. تعداد این حجره‌ها ۳۸ عدد و بعضی از آن‌ها به همدیگر راه دارند. بنا با سنگ و گچ که از معادن اطراف شهر تأمین می‌شده، ساخته شده است. کف حیاط با سنگ‌های لاشه‌ای بزرگ سنگ‌فرش شده و سطح حیاط اندکی پایین‌تر از کف حجرات است. در حیاط چاه آبی برای تأمین آب موردنیاز کاروانیان به چشم می‌خورد. حجره‌ها با طاق‌های جناغی پوشش داده شده و همگی یک ایوان کوچک در جلوی خود دارند. در داخل ایوان‌ها طاقچه‌هایی برای گذاشتن اشیا و نیز دودکش تعبیه شده است (محبت خواه، ۱۳۹۲).

یک راه‌پله مارپیچ در ضلع شمالی ارتباط حیاط با پشت‌بام را تسهیل می‌کرده است. این کاروانسرا که به طور کامل تخریب شده بود که در سال ۱۳۶۹ با آزادسازی منطقه دهدشت، در قسمت پی بنا در عمق دو متری مورد شناسایی قرار گرفت و عملیات خاکبرداری و آوار برداری از آن آغاز شد. در عملیات خاکبرداری تمام قسمت‌های بنا مشخص شد.



شکل شماره ۲- نمایی از بافت تاریخی کاروانسرای دهدشت

بعد در سال‌های ۷۹ و ۷۸ اقدامات مرمتی شامل سنگ‌فرش حیاط، آجرکاری پوشش بام، تعمیر حجرات جلوی کاروانسرا انجام شده است. البته هم اکنون نیز این بنای تاریخی در حال مرمت است. این کاروانسرا ۱۶۰۰ متر مربع مساحت دارد. کاروانسرای بافت تاریخی دهدشت که در مالکیت سازمان میراث فرهنگی است، در سال ۱۳۷۹ با شماره ۳۵۵۱ در فهرست آثار تاریخی به ثبت ملی رسیده است. این تنها سازه نیست که پاسخ‌گوی لرزه باشد، بلکه فرم و فضای معماری هم بسیار اهمیت دارد سازه کاروانسرا ترکیبی است از دیوارهای باربر و تاغ و تویزه که جهت استحکام و استقامت بیشتر شکل کلی بنا ساده و متقارن طراحی شده، پلان‌ها و نماها زیاد کشیده نیست و در کل از ترکیبات مربع و مستطیل که زیاد کشیده نباشد استفاده شده است (توسلی، ۱۳۹۱، ص ۱۸۳).

۶-۲- نمای ورودی و خروجی کاروانسرا

- ۱) در معماری بومی کهگیلویه از سنگ به عنوان پرکننده و گچ نیز به عنوان چسپنده استفاده می‌شود. گنیدها و رویه دیوارها با کاهگل پوشیده می‌شوند و در کل از مصالحی استفاده می‌کنند که ظرفیت حرارتی بالایی داشته باشد.
- ۲) فشردگی پلان‌ها و کم بودن سطح خارجی نسبت به حجم آن‌ها تبادل حرارت را از طریق جداره‌های خارجی ساختمان به حداقل برسد و تا حدود زیادی از نفوذ حرارت در تابستان و و اتلاف آن در زمستان جلوگیری کند.
- ۳) جهت گیری بناها از آفتاب گرم بعداز ظهر تابستان عامل عمده شکل دهنده جهت مجموعه‌ها بوده است. رویگرداندن از آفتاب گرم بعد از ظهر تابستان به بلوک و دسترسی‌های پیرامون جهت می‌دهد. (توسلی، ۱۳۹۱، ص ۷۱)

جهت قرار گیری بناها در بافت، شمال غربی جنوب شرقی است و طراحی آن‌ها به گونه ای بوده است که کمترین سطح و کمترین بازشوها را در جهت غرب دارد.



شکل شماره ۳- پرسپکتیو داخلی از کاروانسرا



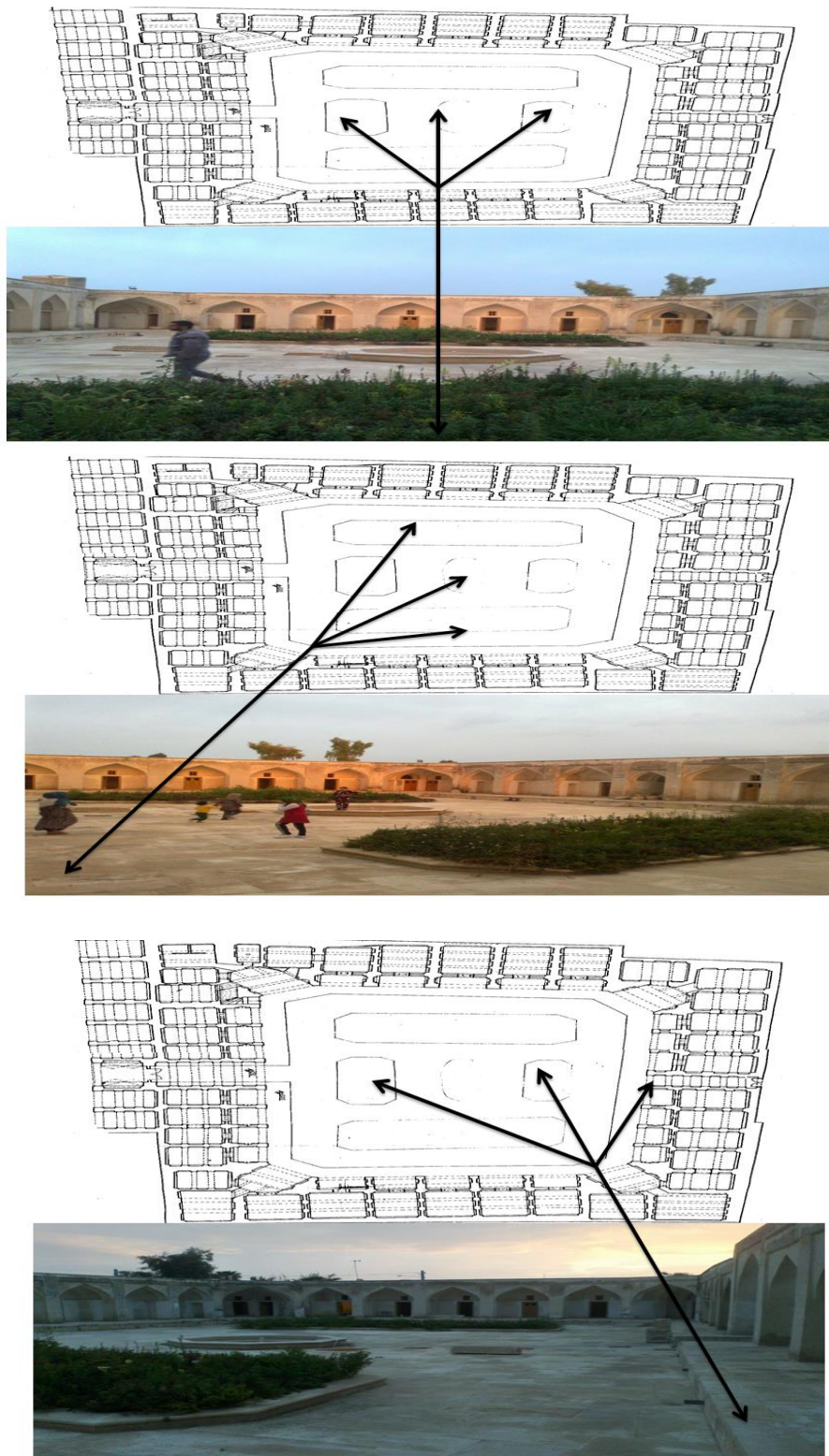
شکل شماره ۴- پرسپکتیو خارجی از کاروانسرا

۴) شهر قدیم متراکم و پر سایه است و از نفوذ آفتاب به داخل جلوگیری می‌کند. کوچه‌ها تنگ و جان پناه بام خانه‌ها بلند گرفته می‌شد تا هم کوچه را سایه بگیرد و هم حیاط و گود تر کند و روی بام خانه‌ها را سایه بیندازد. خانه‌هایی که خارج از بافت متراکم ساخته شده بودن به وسیله درختکاری در اطراف آن ایجاد سایه می‌کردند.

۵) رنگ مصالح به کار رفته جهت کنترل حرارت ایجاد شده روشن می‌باشد. خانه‌های مسکونی پوشیده شده‌اند از کاه گل و سطوح امامزاده‌ها نیز از گچ پوشیده شده‌اند.

۶) جهت کنترل ورود هوای گرم و جلوگیری از خروج هوای خنک بازشوها در قسمت فوقانی دیوارها اجرا شده‌اند. سلسله مراتب نور گیری در خانه‌ها به صورت غیر مستقیم می‌باشد.

به اینگونه که ایوان حد فاصل فضای باز و فضای بسته اتاق بود. در گنبد خانه‌ها نیز روزن‌هایی جهت نورگیری تعبیه می‌شد که علاوه بر نورگیری تهویه اتاق (خروج هوای گرم) را نیز انجام می‌داد.



شکل شماره ۵-نماهای متفاوت از کاروانسرا، ماخذ: (نگارنده، ۱۳۹۵)

۷) حیاط‌های مرکزی از عمده‌ترین ویژگی معماری بومی این منطقه است. حیاط‌های داخلی که شامل درخت، حوض و سطح گیاه کاری شده است یکی از موثرترین عوامل ایجاد رطوبت و خنک سازی فضا محسوب می‌شود. اتاق‌هایی که به سمت

حیات مرکزی باز می‌شوند در برابر باد و طوفان شن که از طرف جنوب غرب و از ناحیه خوزستان می‌وزند و در برابر بادهای سرد زمستانی حفاظت می‌شوند.



شکل شماره ۶- عناصر اقلیمی در حیات مرکزی، ماخذ: (نگارنده، ۱۳۹۵)

۸) همانگونه که قبلاً توضیح داده شد این بافت در کوهپایه قرار دارد و نسبت به فلات مرکزی هوای خنک تری دارد. بادهای گرم و سوزان و پر از گرد و غبار جنوب غربی که بافت را تحت تأثیر قرار می‌داد باعث شد که در خنک سازی ساختمان از عنصر بادگیر استفاده نکنند.

۹) گنبد یکی دیگر از عناصر اقلیمی معماری بومی این منطقه می‌باشد. به علت برجسته بودن در معرض نسیم قرار می‌گیرد و همچنین در قسمت مخالف تابش آفتاب ایجاد سایه می‌کند که قسمتی از سقف را می‌پوشاند. همچنین شکل مدور برای خارج نمودن تشعشع گرمایی بیرون رونده هنگام شب، و آماده نمودن عمل خنک شدن در شب مناسب است.



شکل شماره ۷- استفاده از گنبد در معماری بومی. ماخذ: (نگارنده، ۱۳۹۵)

سطوح عمودی خانه‌ها به سه نوع قابل طبقه بندی هستند. سطوح بیرونی خانه، سطوح درونی (سطوح پیرامون حیات و سطوح داخلی (سطوح داخلی اتاق‌ها) معمولاً سطوح بیرونی خانه‌ها تزئین نمی‌شد و به صورتی بسیار ساده با کاهگل پوشیده می‌شد.



شکل شماره ۸- مصالح در کاروانسرای دهدشت. ماخذ: (نگارنده، ۱۳۹۵)

۶-۳- مصالح مورد استفاده در بافت تاریخی کاروانسرا

در گذشته از مصالح محلی استفاده می‌شد. از محل گرفته می‌شد و در همان جا به کار می‌رفت. این علاوه بر کاهش هزینه، توافق مطلوب شهر و روستا و محیط را در پی داشت. امروز نیز این کار در بسیاری از روستاها جریان دارد. مصالح به کار رفته در این بافت به قرار زیر است:

۱- سنگ

یکی از مصالحی است که از عهد باستان تاکنون برای امر ساختمان سازی استفاده می‌شود البته استفاده از سنگ در ادوار باستان به مراتب بیشتر از آجر بوده است. (زمرشیدی، ۱۳۹۰، ص ۸۸).

سنگ در بافت قدیم دهدشت نقش پرکننده را دارد و در ساختمان بناها از این مصالح استفاده شده است. سنگ مورد مصرف از خود محل تهیه می‌شد. به صورت لاشه و گاه‌ها چهار تراش در دیوار اجرا می‌شد. همچنین در کف سازی های داخلی و بیرونی جهت استحکام بیشتر از این مصالح استفاده می‌شده است.

۲- آجر

ناصاف کار کردن و پس و پیش کار نمودن سطوح خارجی (برای مثال جلو و عقب کردن لایه‌های آجر روی سطح دیوار، مانند آنچه که در معماری گذشته داشیم) و به وجود آوردن گودی‌های سایه دار، باعث می‌شود که از شدت تابش آفتاب بر بدنه رو به آفتاب -بدنه‌های غربی- کاسته شود. در معماری ایرانی این راه حل هم بدین منظور و هم برای از بین بردن مشکل یکنواختی بدنه و تنوع دید به کار گرفته شده است. امروز نیز این روش کاربرد دارد. (توسلی، ۱۳۹۱، ص ۱۸۱).

۳- گچ

فراوانی معادن گچ در این منطقه باعث شده است که از این مصالح به مقدار زیاد استفاده کنند. نقوش هندسی و کاربردی‌ها به بهترین شکل ممکن با استفاده از گچ تزئین شده‌اند. در نمای اماکن مقدس چون امام زاده‌ها نیز از گچ استفاده شده است. و به طور کلی از گچ در چسپاندن قطعات (آجر و سنگ) در ساخت بنا استفاده می‌کنند.

۴- ملات کاهگل

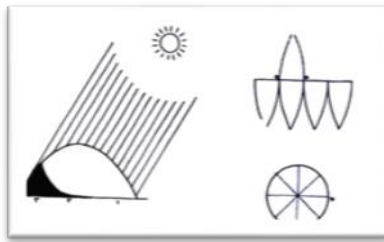
ملات کاهگل در مقابل سرما و گرما عایق خوبی است. و اگر اصولی ساخته شود سال‌ها مقاومت کرده و بنا را به شکل‌های مختلف نگهداری می‌کند. (زمرشیدی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۶).

در معماری بومی کهگیلویه و بویر احمد از کاهگل برای پوشش گنبدها و سطوح بیرونی استفاده می‌شود. در ساختار سنتی رنگ روشن کاهگل از شدت جذب گرمای تابشی کم می‌کند. در عین حال درجه جذب گرمایی دیوارهای کلفت کاهگلی و آجری پایین است. در ساختار نو انتخاب مصالح باید با توجه به این جوانب صورت پذیرد. هر چند تولید مصالح با فرهنگ معماری، اقتصاد و مدیریت نظام ساختمانی در هر دوره تاریخی ارتباط دارد و گذشته درخشان معماری ایران این را به خوبی نشان می‌دهد. در حال حاضر تنها می‌توان گفت که انواع مصالح ساختمانی که در ساختن به کار می‌رود باید محدود و هماهنگ باشد. اما اساساً تولید مصالح مطلوب در یک اقلیم با برنامه ریزی جامع اقتصاد ساختمان و نظام مهندسی در یک کشور ارتباط دارد. (توسلی، ۱۳۹۱، ص ۱۸۱).



شکل شماره ۹- استفاده از مصالح متناسب با اقلیم. ماخذ: (نگارنده، تاریخ برداشت شکل، ۱۳۹۵)

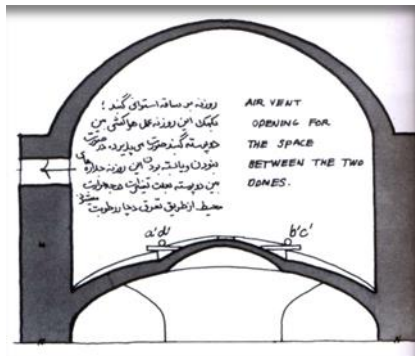
۴-۶- عناصر حاکم بر بافت کاروانسرا



شکل شماره ۱۰- ترکیب بام گنبدی در برابر عوامل آب و هوایی. ماخذ: (توسلی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۰)

۱- گنبد

بام‌های گنبدی به علت برجستگی همواره در معرض وزش نسیم قرار می‌گیرند این در کم کردن گرمایی که بام در اثر تابش شدید آفتاب می‌گیرد مؤثر است. هنگام شب نیز گرمایی که بام پس می‌دهد سریع تر برطرف می‌گردد.



شکل شماره ۱۰- نحوه تهویه گنبد. ماخذ: (توسلی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۳)

در بام‌های گنبدی یا استوانه‌ای چون شدت تابش آفتاب بر تمام رویه بام یکسان نیست، همیشه قسمت ۳ گرمای کمتری نسبت به قسمت ۱ دریافت می‌کند، و این در تقلیل درجه حرارت زیر گنبد تأثیر دارد بخصوص که اگر گنبد دارای ساقه نیز باشد.

در معماری ایران با اختراع گنبد دو پوسته‌ای مسئله بالا را به طریق جالب تری حل کردند. بدین معنی که عمل عایق‌سازی فضای بین دو پوسته باعث می‌شود که پوسته داخلی نسبت به پوسته خارجی سرد باشد. این طرز عمل در معماری اماکن عمومی بیشتر به چشم می‌خورد، مکانی که ازدحام جمعیت و آمد و شد زیاد بوده است. معماران ایرانی همواره به دنبال راه‌های بهتری برای خنک داشتن زیر گنبد در تابستان و برعکس گرم بودن آن در زمستان می‌گشته‌اند. از نظر هندسی گسترده یک طاق نیمکره‌ای شکل تقریباً سه برابر سطح قاعده‌اش است (توسلی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۸).

۲- بادگیر

بادگیر نشان ویژه ساختار اقلیمی شهر در بیشتر نواحی گرم و خشک است. تنها در صورت کوهپایه بودن موقعیت مجموعه، که شهر در این حالت نسبتاً خنک است، و یا وجود بادهای گرم و طوفانی، ممکن است شهر بدون بادگیر باشد. بادگیر معمولاً در محلی قرار گرفته که با توجه به وسعت خانه، تعداد بادگیرها بتوانند قسمت تابستان نشین را خنک کنند. فضاهایی را که بیشتر در تابستان مورد استفاده بوده، بادگیر می‌گذاشته‌اند. یک حالت قرار گرفتن بادگیر درست در محور اتاق پنج دری وسط یا در دو طرف آن، و یا در محور تالار بوده که معمولاً به سرداب در زیر نیز راه داشته است. در یزد با این نمونه زیاد مواجه می‌شویم. به مواردی نیز می‌توان برخورد کرد بدون استفاده از بادگیر خانه را خنک می‌کردند. نمونه این، خانه‌های سبک چهار صغه در زواره است. در اینجا وسط ساختمان‌های بلند چهار طاقی با هواکش قرار دارد که چهار طاقی را نیز روشن می‌کند. بادگیر نه به صورت مجزا بلکه در ارتباط با سایر عناصر ترکیب‌کننده فضا باید مورد بررسی قرار گیرد. (توسلی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۶).

۳- حیاط و ایوان

تفاوت مختصری بین ابنیه حیاط مرکزی مناطق گرم و خشک با ساختمان‌های مشابه در مناطق گرم و مرطوب و نواحی کوهستانی وجود دارد. ساختمان‌های حیاط مرکزی در مناطق گرم و خشک و سرد ایران، بخصوص ابنیه مسکونی کاملاً درون گرا هستند و ارتباط بسیار کمی با محیط خارج دارند. ولی در مناطق گرم و مرطوب ساختمان‌های حیاط مرکزی نیمه درون گرا می‌باشند و با محیط خارج از طریق ایوان‌ها و باز شوها تا حدی ارتباط بصری و فیزیکی دارند. همچنین در خانه‌های حیاط مرکزی مناطق سرد، اطاقهای سمت شمالی حیاط که رو به آفتاب هستند، وسیع‌تر و مهم‌تر می‌باشند، و هر چه از سرمای منطقه کاسته می‌شود، سمت پشت به آفتاب یعنی بخش جنوبی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، به طور مثال در کاشان به علت گرمی زیاد هوا، قسمت جنوبی (تابستان نشین) در خانه بروجدی‌ها بسیار با عظمت و با اهمیت‌تر از قسمت شمالی است. مرحله بعدی تکامل حیاط مرکزی، استفاده از " ایوان " در جوانب حیاط بوده است. از قدیم‌تری نمونه‌های به جا مانده از این نوع ساختمان‌ها، بقایای قصر آشور از دوره آشور در بین‌النهرین است. فرم ساختمان‌های حیاط مرکزی با چهار ایوان به عنوان یک الگو برای بسیاری از ساختمان‌های سنتی در ایران بوده است که ایوان در کنترل تابش آفتاب در تابستان و زمستان مؤثر است.

در این اقلیم، حیاط به خاطر تنگی و بلندی دیوار اطاقهای چهار طرف در ساعات گرم روزهای تابستان سایه می‌گیرد و از طرفی شب‌ها که هوا خنک است، هوای سرد را می‌گیرد و به اصطلاح هوای سرد در حیاط پا بین می‌نشیند و تا ساعاتی از روز که هنوز آفتاب کاملاً بالا نیامده هوای حیاط خنک است. با بالا آمدن آفتاب حیاط گرم می‌شود ولی با حضور در این بناها به راحتی متوجه می‌شویم که درجه حرارت قسمت تابستان نشین با درجه حرارت خارج هنوز اختلاف فاحشی دارد. دمای سرداب به طور حیرت‌انگیزی پائین و خنک است و معمولاً زیر قسمت تابستان نشین قرار دارد. سردی هوای این قسمت آنچنان است که غیر از ساعات گرم بعدازظهر تابستان، انسان در آن سردش می‌شود و در بعدازظهرهای تابستان، در آن احساس خنکی مطبوعی به انسان دست می‌دهد. می‌توان گفت بهترین فضای خارجی در این اقلیم‌ها حیاط است. هوای سرد شب که سنگین‌تر از هوای گرم اطراف است می‌تواند در این حیاط‌ها باقی بماند. در صورتی که حیاط کوچک باشد (عرض آن بیش از ارتفاعش نباشد)، حتی وزش نسیم‌ها هم تأثیری نخواهند گذاشت.

نتیجه‌گیری

هدف از این تحقیق بررسی کاروانسرای دهدشت و عناصر سازنده بنای آن بود، چهره طبیعی شهر قدیم دهدشت بسیار قابل توجه است. از لحاظ سبک معماری نیز بارزترین خصیصه معماری این بافت گنبد‌های متنوعی است که خط آسمان شهر را به عنوان یک شهر اسلامی معرفی می‌کند. این شهر قدیمی آثار و اسنادی را در خود جای داده که در پژوهش حاضر با بررسی نحوه شکل‌گیری و نظام ساختاری بافت به بازشناخت ویژگی‌های اصلی معماری بومی آن پرداخته تا بتوان برای باززنده‌سازی بافتهای مشابه از این راهکارها استفاده کرد. ویژگی‌های اصلی معماری دهدشت قدیم به صورت زیر ارزیابی می‌شود. با توجه به فعالیت‌های سازمان میراث فرهنگی در راستای مرمت و احیاء بافت با ارزش دهدشت و باز شناخت ویژگی‌های آن در پژوهش حاضر راهکارهای پیشنهادی برای توسعه آتی بافت با اندیشه و طراحی فعال و مؤثر که در فرآیند آن ساختار کارکردی و کالبدی بافت برای پذیرش فعالیت‌های جدید شهری، اجتماعی، الگوهای رفتاری و امکانات امروز مطرح می‌شود. معماری این منطقه پر از راز و رمزها و تمثیل‌های معماری اسلامی است که همه بر آموزش دهندگی کالبد معماری است و نمود استاد کاران برجسته صفوی می‌باشد. معماری که بر اساس شرایط اقلیمی و فرهنگی خاص منطقه شکل گرفته و به گونه‌ای علاوه بر جوابگویی اقلیمی معرف فرهنگ و اجتماع و سیاست این مرز و بوم نیز می‌باشد. همه بناها به صورت درونگرا ساخته شده‌اند یعنی یک حیاط و یا ایوان در وسط دارند و فضایی در پیرامون آن‌ها را قرار گرفته است، کاروانسرای بافت تاریخی دهدشت در ضلع غربی بافت تاریخی دهدشت و در کنار مجموعه حمام کاروانسرا، امامزاده ابراهیم و امامزاده جابر واقع شده است. بنای فوق از جمله آثار شهر دوره اسلامی صفوی است که با دو ورودی در شمال و جنوب ساخته شده است. بنا شامل حیاط و

حجره‌های چهار طرف آن است. تعداد این حجره‌ها ۳۸ عدد و بعضی از آن‌ها به همدیگر راه دارند. بنا با سنگ و گچ که از معادن اطراف شهر تأمین می‌شده، ساخته شده است. کف حیاط با سنگ‌های لاشه‌ای بزرگ سنگ‌فرش شده و سطح حیاط اندکی پایین‌تر از کف حجرات است. در حیاط چاه آبی برای تأمین آب موردنیاز کاروانیان به چشم می‌خورد. حجره‌ها با طاق‌های جناغی پوشش داده شده و همگی یک ایوان کوچک در جلوی خود دارند. در داخل ایوان‌ها طاقچه‌هایی برای گذاشتن اشیاء و نیز دودکش تعبیه شده است.

منابع

۱. توسلی، محمود. (۱۳۹۱). ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران: معماری، ایران، عوامل اقلیمی. تهران: محمو توسلی.
۲. زمرشیدی، حسین. (۱۳۹۰). مصالح شناسی سنتی: مصالح ساختمانی-ایران، معماری بومی-ایران، معماری ایرانی. تهران: انتشارات زمرد.
۳. زیاری، کرامت‌الله. (۱۳۸۹). ارزیابی اراضی کاربری شهر دهدشت (استان کهگیلویه و بویراحمد). جغرافیایی آسایش محیط. شماره ۱۰.
۴. طرح جامع توسعه و عمران شهر دهدشت (۱۳۸۸).
۵. فرزام شاد، مصطفی. (۱۳۸۸). مبانی برنامه ریزی و طراحی مراکز اداری: ساختمان‌های اداری، طرح و ساختمان. تهران: جهان جام جم.
۶. کسمایی، مرتضی. (۱۳۸۷). اقلیم و معماری: معماری-عوامل اقلیمی، معماری-ایران-عوامل اقلیمی، ساختمان‌ها. تهران: نشر خاک.
۷. محبت‌خواه، داوود؛ رهایی، امید؛ آرام، علی. (۱۳۹۲). طرح باز زنده سازی مرکز محله کاروانسرا در بافت قدیم دهدشت. دانشگاه آزاد اسلامی: واحد یاسوج، دانشکده فنی و مهندسی، گروه معماری، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته معماری، گرایش: معماری.
۸. مهرآرام، مهسا. (۱۳۸۴) مطالعه و طراحی معماری همساز با اقلیم گرم و خشک. پایان نامه کارشناسی ارشد معماری. دانشکده معماری. دانشگاه تربیت مدرس.
۹. میراث فرهنگی کهگیلویه و بویراحمد (۱۳۹۲). بافت قدیم دهدشت (<http://www.k-b.IR>)
۱۰. هاشمی بیستونی، محمود رضا. (۱۳۸۸)، بررسی طرح بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهرها (نمونه مورد بافت قدیم کرمانشاه).
۱۱. یآوری، حسین. (۱۳۸۴). شناخت صنایع دستی ایران. نشر تهران_ ایران شناسی.